



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۲۷ مرداد ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۶۶۳-۰۲۱

«تمام داری‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام طراحان	نام درس
سامان اسپهرم، محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، گلناز بینقی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، علیرضا عبدی، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی	ریاضی و آمار
عزیز الیاسی پور، محمدامین داداش فام، سید علیرضا علویان، فرهاد علی نژاد، سجاد غلام پور سیوکی، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی، سیدمحمد هاشمی	علوم و فنون ادبی
زینب آذری، امیرمهدی افشار، ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، کوثر شاه حسینی، امیرحسین کاروین	جامعه‌شناسی
حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، محمد صمدی زاداسفنگره، مهسا عفتی	روان‌شناسی
محمود بادبرین، امیرحسین پورخنجر، امیرحسین شکوری، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته‌عربی، روح‌الله گلشن، سیدمحمدعلی مرتضوی، فاطمه منصورخاکی، پیروز وجان	عربی زبان قرآن
حسین آخوندی راهنماچی، محمد آقاصالح، علیرضا تقی پور، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، فرهاد قاسمی نژاد، احمد منصور، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری	فلسفه و منطق
نسربین جعفری، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، زهرا محمدی	اقتصاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی، آروین حسینی	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	یاسین مهدیان	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	مائده مؤمنی	مائده مؤمنی	فاطمه صفری، کوثر شاه‌حسینی	زهرا قموشی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	سبا جعفرزاده صابری	فرهاد علی نژاد	زهرا قموشی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	فاطمه صفری	ستایش محمدی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	محمد صمدی زاداسفنگره	ستایش محمدی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهرا قموشی
حروفچین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۲)

۱- گزینه «۴»

(مفهم بصرایی)

$$2 < A < 3 \Rightarrow [A] = 2$$

$$-2 < B < -1 \Rightarrow [B] = -2$$

$$C = -3 \Rightarrow [C] = -3$$

$$\Rightarrow 3 \times 2 - 2 - 2 \times (-3) = 6 - 2 + 6 = 10$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۲- گزینه «۲»

(مفهم بصرایی)

$$x^2 + 1 > 0 \Rightarrow \text{sign}(x^2 + 1) = 1$$

$$|x| + 1 > 0 \Rightarrow \text{sign}(|x| + 1) = 1$$

$$-2 < 0 \Rightarrow \text{sign}(-2) = -1$$

$$\Rightarrow A = \frac{3 \times 1 - 1}{1} = \frac{2}{1} = 2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ و ۳۰)

۳- گزینه «۳»

(مفهم بصرایی)

$$\text{sign}(x^2 - 3x + 2) = 0 \Rightarrow x^2 - 3x + 2 = 0$$

$$\Rightarrow (x - 2)(x - 1) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} x = 2 \\ x = 1 \end{cases} \Rightarrow \text{مجموع مقادیر} = 2 + 1 = 3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۵)

۴- گزینه «۳»

(فهرشید کریمی)

$$a \in \mathbb{Z} \Rightarrow |x| + |-x| = 0 \Rightarrow f(a) = 0$$

$$b \notin \mathbb{Z} \Rightarrow |x| + |-x| = -1 \Rightarrow f(b) = -1$$

$$\Rightarrow f(a) + f(b) = -1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۵- گزینه «۴»

(سعید عزیزقانی)

با توجه به شکل تابع f از انتقال $y = |x|$ به اندازه ۲ واحد به سمت راست و یک واحد به سمت بالا به دست آمده در نتیجه

$$\begin{cases} a = 2 \\ b = 1 \end{cases} \text{ است، پس: } f(x) = |x - 2| + 1$$

$$2a + b = 4 + 1 = 5$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)

۶- گزینه «۴»

(مفهم بصرایی)

ضابطه‌های توابع پلکانی مقادیر ثابتی هستند، پس نباید در ضابطه‌ها متغیر وجود داشته باشد، لذا ضریب متغیر را در ضابطه اول مساوی صفر قرار

می‌دهیم:

$$\Rightarrow m - 8 = 0 \Rightarrow m = 8$$

از طرفی با توجه به نمودار، حاصل $2n$ باید برابر ۴ باشد:

$$\Rightarrow 2n = 4 \Rightarrow n = 2$$

هم‌چنین حاصل $k - 6$ باید برابر با -4 باشد:

$$\Rightarrow k - 6 = -4 \Rightarrow k = 2$$

$$\Rightarrow k + m + n = 2 + 8 + 2 = 12$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۹)

۷- گزینه «۴»

(ابوالفضل بوعاری)

$$f(1 + \sqrt{2}) = |(1 + \sqrt{2})^2 - 7| = |1 + 2\sqrt{2} + 2 - 7|$$

$$= |2\sqrt{2} - 4| = -2\sqrt{2} + 4$$

$$f(1 - \sqrt{2}) = |(1 - \sqrt{2})^2 - 7| = |1 - 2\sqrt{2} + 2 - 7|$$

$$= |-2\sqrt{2} - 4| = 2\sqrt{2} + 4$$

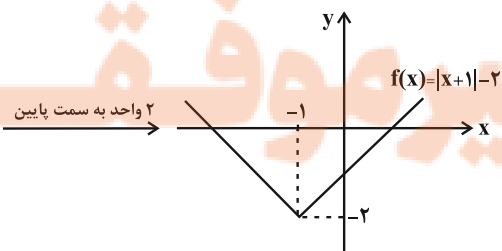
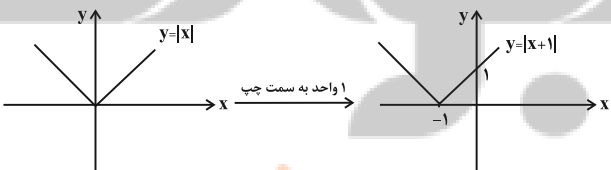
$$f(1 + \sqrt{2}) + f(1 - \sqrt{2}) = -2\sqrt{2} + 4 + 2\sqrt{2} + 4 = 8$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)

۸- گزینه «۱»

(مفهم بصرایی)

با استفاده از انتقال نمودار تابع $y = |x|$ نمودار تابع $f(x) = |x + 1| - 2$ را رسم می‌کنیم:



با توجه به دامنه $1 \leq x \leq 3$ داریم:



علوم و فنون ادبی (۲)

۱۱- گزینه «۴»

(معمرا مین دانش‌فام)

«آشنایی با تفکرات و معارف هندوان» از علل تغییر سبک بود و به‌خودی‌خود، می‌تواند معلول مهاجرت شاعران به هند باشد، نه علت آن. نکته: از آنجایی که شاعران برای اشعار مدحی خود از پادشاهان دستمزد دریافت می‌کردند و کم‌توجهی شاهان صفوی به اشعار مدحی به معنای قطع دریافتی شاعران از دربار بود، برخی از شاعران کسب ثروت را نیز جزء اهداف خود در سفر به هند قرار داده بودند.

گزینه‌های «۱» و «۳» طبق متن کتاب درسی، دلایل اصلی مهاجرت شاعران به هند هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه ۵۹)

۱۲- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

سیطره درازمدت مغولان و تیموریان بر سرزمین ایران و ویرانی‌ها و خرابی‌هایی که در همه ابعاد و زمینه‌ها به بار آوردند، دانش، فرهنگ و ادبیات را تحت‌الشعاع خود قرار داد. سایر گزینه‌ها به‌درستی بیان شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۱۳- گزینه «۴»

(یاسین مهریان)

فقط وزن بیت «ه»، از چهار پایه همسان «مفتعلن» تشکیل شده‌است.

تشریح سایر ابیات:

«الف»: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلمن (از چهار پایه تشکیل شده‌است؛ اما رکن آخر متفاوت است).

«ب»: فعولن فعولن فعولن فعلن (از چهار پایه تشکیل شده‌است؛ اما رکن آخر متفاوت است).

«ج»: فعالاتن فعالاتن فعالاتن فاعلمن (از چهار پایه تشکیل شده‌است؛ اما رکن آخر متفاوت است).

«د»: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (از سه پایه همسان تشکیل شده‌است).

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۴- گزینه «۲»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن این بیت، «فعولن فعولن فعولن فعولن» است که مطابق با وزن بیت درج‌شده در صورت سؤال می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

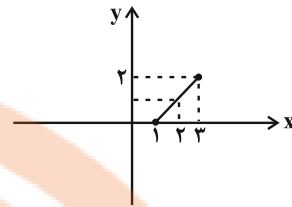
گزینه «۱»: فعولن فعولن فعولن فعل

گزینه «۳»: مفاعیلن مفاعیلن فعولن

گزینه «۴»: فعالاتن فعالاتن فاعلمن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

$f(1) = 0, f(3) = 2$



با توجه به نمودار برد تابع: $0 \leq y \leq 2$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)

۹- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

تابع پلکانی نوعی تابع چند ضابطه‌ای است که ضابطه‌های آن عدد ثابت هستند، بنابراین در هر دو ضابطه ضرایب x را برابر صفر قرار می‌دهیم:

$$\begin{cases} 3k - 1 = 0 \Rightarrow k = \frac{1}{3} \\ a - 2 = 0 \Rightarrow a = 2 \end{cases}$$

با جایگذاری مقادیر $a = 2$ و $k = \frac{1}{3}$ تابع به صورت زیر است:

$$f(x) = \begin{cases} 3b, & x \geq 2 \\ \frac{1}{3}, & x < 2 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} f(4) = 3b \\ f(0) = \frac{1}{3} \end{cases}$$

$$3f(0) + f(4) = 4 \Rightarrow 3 \left(\frac{1}{3}\right) + 3b = 4 \Rightarrow b = 1$$

حال داریم:

$$3k - b + 2a = 3\left(\frac{1}{3}\right) - 1 + 2(2) = 4$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۹)

۱۰- گزینه «۲»

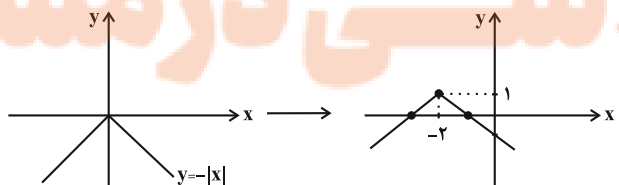
(گلناز بینقی)

ابتدا باید ریشه عبارت داخل قدرمطلق را به‌دست آوریم. عبارت داخل قدرمطلق را مساوی صفر قرار می‌دهیم:

$$3x + 6 = 0 \Rightarrow 3x = -6 \Rightarrow x = -2$$

$$y = \frac{-3}{3} |x + 2| + 1 \Rightarrow y = -|x + 2| + 1$$

بنابراین نمودار $y = -|x|$ را دو واحد به چپ انتقال داده و سپس یک واحد به بالا منتقل می‌کنیم.



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۴)



۱۵- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

وزن هر دو بیت: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

وزن سایر ابیات:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

گزینه «۲»: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

گزینه «۴»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۱۶- گزینه «۴»

(مهمرامین راداش فام)

آفتاب مجاز از خورشید است و سجده کردندش، تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

«ماه» در مصراع دوم، استعاره مصرحه از معشوق است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در تبسم بودن گل، تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

بلبل شیدا نیز استعاره مکنیه است (بلبل مانند انسانی شیدا و عاشق است)؛ بلبل در این بیت، استعاره مصرحه از عاشق نمی‌باشد.

گزینه «۲»: «پای نسیم»، اضافه استعاری و استعاره مکنیه می‌باشد. استعاره مصرحه در بیت دیده نمی‌شود.

گزینه «۳»: یوسف گم‌گشته استعاره مصرحه از معشوق است. استعاره مکنیه در بیت دیده نمی‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۷- گزینه «۱»

(سیرعلیرضا علویان)

«سپنج» به معنی زمین عاریتی و خانه موقت است و «سرای سپنج» در این جا استعاره مصرحه از دنیا می‌باشد. در سایر گزینه‌ها، استعاره مکنیه به کار رفته است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: اینکه به فلک و روزگار شخصیت انسانی داده شود، تشخیص و استعاره مکنیه است.

گزینه «۳»: هدهد صبا مورد خطاب قرار داده شده است؛ پس تشخیص و استعاره مکنیه دارد.

گزینه «۴»: «رخ اندیشه» و «زلف سخن» هر دو اضافه استعاری هستند که در زیرمجموعه استعاره مکنیه قرار می‌گیرند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۱۸- گزینه «۴»

(سپهر غلام‌پور سیوکی)

«چشمه نوش» استعاره مصرحه از یار است؛ تشخیص این بیت در مصراع دوم، در «شرمندگی و عرق شرم شکر» است.

در سایر گزینه‌ها، تشخیص وجود ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۹- گزینه «۲»

(شیوا نظری)

فاقد استعاره / تشبیه: سیم‌بر

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تشبیه مرجح (برتری دهان بر غنچه) / استعاره مکنیه در سخن گفتن غنچه

گزینه «۳»: فاقد تشبیه / این خانه: استعاره از دل

گزینه «۴»: تشبیه: صهبا به گل و لعل به می / استعاره: «لعل» استعاره از لب

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۲۰- گزینه «۴»

(یاسین مهریان)

بیت «د»: رهرو حقیقی در سایه عنایت الهی از خطر می‌گذرد و کمترین آسیبی نمی‌بیند. (دور بودن گزند و آسیب از عاشق)

بیت «ج»: اغراق در اشک ریختن عاشق در مصراع دوم. (سرشک عاشق)

بیت «الف»: عاشق، با وجود فقر و تنگدستی، گوشه تاج سلطنت را می‌شکند و نسبت به آن بی‌توجه است. (وارستگی عاشق از تعلقات)

بیت «ب»: اختیار خود را به دست او بده. (تسلیم بودن)

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)

علوم و فنون ادبی (۱)

۲۱- گزینه «۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

تشریح موارد نادرست:

الف) خاقانی از شاعران سبک عراقی بود (یا اگر دقیق‌تر بخواهیم بگوییم از شاعران معروف آذربایجان بود که در تغییر سبک به عراقی دخیل بود).

ب) واقع‌گرایی ویژگی فکری سبک خراسانی است، نه ویژگی ادبی آن.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۵)

۲۲- گزینه «۳»

(مهمرامین راداش فام)

جملات متن کوتاه هستند و اطناب در متن مشاهده نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: ترکیب «حرمت او را» در زبان امروزی فارسی به صورت «به حرمت او» نوشته می‌شود. بنابراین این جا «را» به جای حرف اضافه «به» به کار رفته است.

گزینه «۲»: تعداد زیاد افعال در متن نشان می‌دهد که جملات کوتاه و مقطع هستند.

گزینه «۴»: کلماتی مثل «حرمت» و «حاجت» عربی هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۶۴)



۲۳- گزینه «۴»

(باسین موریان)

خواجوی کرمانی در این بیت، توصیفی اغراق‌آمیز از اشک خود دارد و از دیگران درخواست کمک می‌کند؛ بنابراین، شعر غم‌گراست و نمی‌تواند متعلق به سبک خراسانی باشد؛ زیرا سبک خراسانی شادی‌گراست.

ویژگی‌های سبک خراسانی در سایر ابیات:

گزینه «۱»: «۱» مدیحه‌سرایی - کاربرد «مر» قبل از مفعول جمله - ساده‌بودن زبان شعر

گزینه «۲»: «۲» شادی‌گرایی - معشوق زمینی - ساده‌بودن زبان شعر

گزینه «۳»: «۳» معشوق زمینی - تشبیه مضمّر و حسی چشم یار به نرگس - ساده‌بودن زبان شعر

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۲۴- گزینه «۲»

(هومن نمازی)

تعداد هجاهای بلند مصراع گزینه «۲»، هشت و تعداد هجاهای کوتاه آن، چهار است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «۱» تعداد هجای بلند نه و تعداد هجاهای کوتاه پنج است.

گزینه «۳»: «۳» تقطیع هجایی این مصراع به این صورت است:

U - U - U - U - U - U

گزینه «۴»: «۴» این مصراع به صورت UU - UU - UU تقطیع می‌شود و قطعاً مطابق خواسته صورت سؤال نیست.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۲۵- گزینه «۴»

(باسین موریان)

توجه داشته باشید که واژه «نه» در مصراع گزینه «۴»، در معنای «بگذار، قرار بده» به کار رفته‌است و بنابراین، «ه» در این واژه ملفوظ است و تقطیع درست آن، به شکل «نه» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۲۶- گزینه «۳»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

فقط در این گزینه، تمامی کلمات با یکدیگر سجع متوازی دارند. در سایر گزینه‌ها ترکیبی از سجع متوازی و متوازن وجود دارد که آرایه متوازنه را به وجود می‌آورد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۲۷- گزینه «۳»

(شیوا نظری)

کلمات یک‌به‌یک با هم سجع متوازن یا متوازی دارند:

چو	من	بصبری	فارغ	نباشد	از	حاسد
چو	من	حکیمی	خالی	نباشد	از	اعدا
U	-	--U	--	--U	-	--

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۲۸- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

موازنه: تقابل سجع‌های متوازن و متوازی در این بیت، پدیدآورنده آرایه موازنه است. / تشبیه: مانند‌کردن روی به قمر و همچنین زلف به کمر (تشبیه از نوع پنهان یا مضمّر)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: بیت فاقد موازنه و فاقد تشبیه است.

گزینه «۲»: «۲» بیت فاقد تشبیه («چون» در هر دو مصراع، در معنی «زمانی که» است و ادات محسوب نمی‌شود) و دارای موازنه است. (تقابل سجع‌های متوازن و متوازی در این بیت، پدیدآورنده آرایه موازنه است.)

گزینه «۴»: «۴» موازنه: تقابل سجع‌های متوازن و متوازی در این بیت، پدیدآورنده آرایه موازنه است. / تشبیه: بیت فاقد تشبیه است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برع، ترکیبی)

۲۹- گزینه «۴»

(سیرمهمر هاشمی)

در بیت این گزینه صحبت از آمدن بهار است و توصیه شده است به باده‌نوشی و شادنوشی. در دو بیت صورت سؤال نیز گفته شده است که: گل سوری به باده - به‌وسیله باد بهار - پیام می‌دهد که بهار فرا رسیده و بیا تا در کنار یکدیگر باشیم.

بررسی دیگر ابیات:

گزینه «۱»: «۱» زاهد کوتاه‌نظر نمی‌تواند زیبایی‌های معشوق را دریابد و نصیحت او که «چشم از یار بردار» بیپوده است.

گزینه «۲»: «۲» شب رفت و صبح برآمد.

گزینه «۳»: «۳» گل از شادی رسیدن بهار، گلبرگ‌ها را برمی‌افشانند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۳)

۳۰- گزینه «۳»

(مجتبی فرهادی)

شاعر در بیت صورت سؤال به صداقت و اخلاص در عبادت و داشتن صفای باطن و مذمت تزویر و تظاهر اشاره می‌کند. به این مفهوم در ابیات «ب»، «د» و «ه» نیز اشاره شده است.

تشریح ابیات دیگر:

الف) سخن بدون عمل فایده‌ای ندارد.

ج) نباید بر عبادت و نیکی خود تکیه کرد؛ باید منتظر رحمت و بخشایش خدا بود.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۷)



جامعه‌شناسی (۲)

۳۱- گزینه ۱»

(زینب آذری)

فرهنگ غرب از قرن ۱۷ تا ۲۰ شکل جدیدی به روابط میان جوامع با جامعه جهانی بخشید. در سده ۱۹ و ۲۰، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به صورت مرکز و دیگر جوامع را به صورت پیرامون درآورد.

استعمار مهمترین عامل ادغام جوامع غیرغربی بود.

مسلمانان آسیای جنوب شرقی به وسیله تجارت با اسلام آشنا شدند و اسلام به دلیل قوت فرهنگی خود نشر پیدا کرد.

شکل‌گیری دولت فرانسه: پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار / نفوذ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جوامع غیرغربی: استعمار و ادغام جوامع غیرغربی

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)

۳۲- گزینه ۲»

(کوثر شاه‌سینینی)

بنای یادبود جنگ تریاک در کشور چین قرار دارد.

برخی از کشورهایی که توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند، هندوستان (کمپانی هند شرقی)، اندونزی (هند هلند) و الجزایر بودند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۳۳- گزینه ۳»

(کوثر شاه‌سینینی)

چین که بزرگترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به صورت کشوری ضعیف درآمد، به طوری که هر بخش از آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

در آن زمان، عثمانی بزرگترین امپراتوری اسلامی محسوب می‌شد. قلمرو این امپراتوری از عربستان، عراق، سوریه، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید می‌کرد. امپراتوری عثمانی نیز در اثر نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید؛ بخش‌های عمده‌ای از آن جدا شدند و دهها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربرآوردند و هر کدام تحت سلطه یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند.

ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه‌های خود را به روی کشورهای غربی بسته بود، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری تحت شرایط مورد نظر این کشورها شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۳۴- گزینه ۳»

(امیرمهری افشار)

عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت - ملت‌های جدید شکل گرفت. پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی اغلب در تعامل محیط جغرافیایی خود و به گونه‌ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۶۵)

۳۵- گزینه ۴»

(امیرمهری افشار)

تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود. به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۳۶- گزینه ۳»

(ریحانه امینی)

دولت - ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. آن‌ها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آنها اغلب ناسیونالیستی و قومی است.

اقتصاد سرمایه‌محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود ولی به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چندملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد.

با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود.

آن‌ها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۷، ۶۸ و ۷۱)

۳۷- گزینه ۴»

(ریحانه امینی)

تشریح سیر امپراتوری رسانه:

در گذشته، جوامع از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و... با یکدیگر مواجهه داشته‌اند. این برخوردها سبب انتقال و اشاعه فرهنگ‌ها می‌شده و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می‌گرفته‌اند. برخورد استعماری غرب، جوامع



روان‌شناسی

۴۱- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

موارد صورت سؤال به‌ترتیب به عوامل عاطفی، تداخل اطلاعات، عدم رمزگردانی و مشکلات مربوط به نشانه‌های بازیابی اشاره دارند.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۴)

۴۲- گزینه «۱»

(مهروی باهری)

سهولت یافتن محرک در طی فرآیند جست‌وجو، تحت تأثیر دو عامل است: (۱) منحصر به فرد بودن محرک هدف (برای مثال حرف «پ» نسبت به حرف «م» منحصر به فردتر است.) و (۲) کم بودن تعداد محرک‌های انحرافی.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه ۷۹)

۴۳- گزینه «۴»

(مهمربیبی)

این‌که رمزگردانی هم شنیداری باشد و هم دیداری باعث نمی‌شود که رمزگردانی معنایی باشد. در این‌جا رمزگردانی چندحسی داریم نه معنایی.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۲)

۴۴- گزینه «۱»

(مهمربصری زارادسنگره)

شرکت در آزمون‌های مکرر، شما را جهت بازیابی موفق، توانمندتر می‌سازد؛ هر چه بیشتر آزمون دهید، نشانه‌های بازیابی بیشتری را کسب خواهید کرد که به این پدیده اصطلاحاً اثر آزمون گفته می‌شود.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۱۰۹)

۴۵- گزینه «۲»

(عمیررضا توکلی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۱» و «۳» جواب سؤال نیستند؛ زیرا گزینه «۱» به کل اشتباه است و گزینه «۳» نیز از توهم صحبت می‌کند.

گزینه «۴» نیز نادرست است؛ زیرا بحث بر سر تحلیل اطلاعات حس شده است، نه اطلاعات ادراک شده.

(روان‌شناسی، احساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳)

۴۶- گزینه «۴»

(مهروی باهری)

در تعامل مؤلفه‌های احساس و ادراک سه حالت برقرار است: (۱) ممکن است محرک‌های احساس شده ادراک نشوند. (۲) ممکن است ادراک اتفاق افتاده مغایر با احساس باشد که با نام خطای ادراکی شناخته می‌شود (برای مثال نوجوانی که عدم تناسب جسمانی خود را بیشتر از واقعیت احساس شده

غیرغربی را از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار داد. این پدیده اغلب نوعی خودباختگی فرهنگی نیز در آن جوامع ایجاد کرد. خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به‌گونه‌ای تقلیدی، فرا گیرد. در شرایطی که جوامع غیرغربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی موردنظر به دست می‌گیرد. صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. توسعه صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده‌ای واحد درآورده است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه ۷۰)

۳۸- گزینه «۴»

(آزیتا بیری)

اشتراک مالتوس و ریکاردو ← هر دو از نظریه‌پردازان لیبرال بودند. نوع چالش بلوک شرق و بلوک غرب ← درون فرهنگی، جهانی، مقطعی و فرامنطقه‌ای

شعار جوامع سوسیالیستی ← عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت

شعار جوامع لیبرالیستی ← آزادی

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۱)

۳۹- گزینه «۳»

(آزیتا بیری)

جوامع سوسیالیستی ← به بهانه عدالت اقتصادی نه تنها آزادی معنوی بلکه آزادی دنیوی افراد از بین رفت.

لیبرالیسم اولیه ← رویکردی فردی و اقتصادی داشت.

نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانست. ← مارکس

چالش فقر و غنا ← نخستین چالش در کشورهای غربی

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

۴۰- گزینه «۱»

(امیرمسین کروی)

اساساً رابطه ارباب - رعیتی ناظر به اقتصاد کشاورزی بود و طبقه کارگر تحت تأثیر ظهور لیبرالیسم و انقلاب صنعتی ایجاد شد و نمی‌توان رابطه‌ای بین آن دو قائل شد. از طرفی آزادی لیبرالیسم برای کارگران صرفاً امری ظاهری بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه ۷۶)



عربی زبان قرآن (۲)

۵۱- گزینه «۲»

(معمور با برین)

«أرسلنا»: فرستادیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «رسولاً»: (اسم نکره) رسولی (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «عصی»: عصیان کرد، سرپیچی کرد، نافرمانی کرد (رد گزینه ۳) / «الرسول»: آن رسول (رد گزینه ۴)

نکات مهم درسی:

اگر در متنی، ابتدا اسم نکره بیاید و در ادامه متن، همان اسم با «ال» تکرار شود، در ترجمه می‌توانیم برای اسم ال‌دار، کلمات «این» یا «آن» به کار ببریم.

(ترجمه)

۵۲- گزینه «۳»

(امیر حسین شکوری)

«كاد ... أن يُخرج»: نزدیک بود اخراج کند، داشت بیرون می‌کرد (رد گزینه ۲) / «لکی یتنبه»: تا آگاه شود، تا تنبیه شود (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «کرر»: تکرار کرد / «لم یلتفت»: توجه نکرد («لم + مضارع» باید به شکل ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه شود). (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۵۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

«نتیجة عمل»: نتیجه کاری (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «یقتلنی»: جمله وصفیه‌ای است که بعد از اسم نکره آمده است، ضمناً فعل مضارعی است که بعد از یک فعل ماضی (شاهدت) قرار گرفته است، پس به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود. مرا می‌کشت (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «لن أكذب»: (آینده منفی) دروغ نخواهم گفت (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «أبدأ»: هرگز، هیچگاه

(ترجمه)

۵۴- گزینه «۲»

(امسان کلاته عربی)

ترجمه درست عبارت: نادان به چیزی که نمی‌داند، حکم می‌کند!

(ترجمه)

۵۵- گزینه «۱»

(روح‌الله گلشن)

«امروز»: الیوم (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «بادها»: ریح (رد گزینه ۴) / «وزید»: عصفت (ماضی است؛ رد گزینه ۲) / «خراب کرد»: خربت (فعل ماضی و معلوم است). (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۵۶- گزینه «۴»

(عمیرضا خاندانمینی - امفوان)

عبارت عربی می‌گوید: «بادها جاری می‌شوند آنطور که کشتی‌ها تمایل ندارند!»؛ در این گزینه، هر دو عبارت به این نکته اشاره دارند که همیشه خواست و اراده الهی بر خواست انسان مقدم است.

(مفوعه ۳)

ادراک می‌کند و یا نوجوانی که با دیدن واقعیت احساس شده شکست عاطفی والدینش ادراک اشتباه شکست عاطفی خود را می‌کند. (۳) ادراک بدون احساس که با نام توهم شناخته می‌شود. (برای مثال گمان به مرکز توجه بودن نوجوان در حالی که او در کانون توجه نیست.) در نهایت در صورتی که خطای ادراکی تکرار شود، منتهی به خطای شناختی می‌شود. برای مثال زمانی که خانواده با سرزنش‌های مکرر این گمان را برای نوجوان به ارمغان می‌آورند که او از نظر تحصیلی ناتوان است.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

۴۷- گزینه «۲»

(عمیرضا توکلی)

گزینه «۱»: به گوش‌به‌زنگی اشاره دارد.

گزینه «۲»: به جست‌وجو کردن اشاره دارد که در بافت مکانی اتفاق می‌افتد. گزینه «۳»: به ردیابی علامت اشاره دارد که استاد به دنبال اشتباهات دانشجویها است.

گزینه «۴»: به گوش‌به‌زنگی اشاره دارد.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۴۸- گزینه «۴»

(مهوری پاهری)

علامتی که هر دو داور باید آن را ردیابی کنند «خطای تور» بوده که محقق شده است. با توجه به حضور علامت، دو حالت هشدار کاذب (گزارش حضور علامت غائب) و رد درست (گزارش عدم حضور علامت غائب) اتفاق نیفتاده است. همچنین داور اول با زدن سوت، حضور علامت هدف را گزارش داده (اصابت و تصمیم درست) و داور دوم با عدم واکنش خود حضور علامت هدف را گزارش نداده (از دست دادن علامت و تصمیم نادرست). بنابراین آن چه موجب خطای داور دوم شده است، عدم اعلام علامت است در صورتی که علامت وجود داشته است.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه ۷۷)

۴۹- گزینه «۲»

(عمیرضا توکلی)

گزینه «۲» به دریافت محرک‌ها توسط حواس ما اشاره دارد، اما سایر گزینه‌ها به اطلاعات موجود در حافظه اشاره دارند.

(روان‌شناسی، احساس، توبه، ادراک، صفحه ۷۴)

۵۰- گزینه «۲»

(مهسا عفتی)

یکی از ساده‌ترین شیوه‌های انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت به بلندمدت بازگویی و تمرین است.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۶)



۵۷- گزینه ۱»

(معمود باربرین)

صورت سؤال، گزینه‌ای را خواسته است که کمترین خطای حرکت‌گذاری را دارد:

بررسی همه گزینه‌ها:

گزینه ۱: «المُعْرَبَةُ» (عربی‌شده) اسم مفعول است و باید به صورت «المُعْرَبَةُ» باشد.

گزینه ۲: «أَفْتَشْ» فعل مضارع اول شخص مفرد (متکلم وحده) از باب تفعیل است و عین الفعل آن باید کسره داشته باشد (تَ؛ هم‌چنین «یُساعد» فعل مضارع سوم شخص مفرد (لغائب) از باب مفاعلة است و عین الفعل آن باید کسره داشته باشد (ع). در نتیجه «أَفْتَشْ» و «یُساعد» صحیح است.

گزینه ۳: «تَحَدَّثْ» مضارع معلوم از باب تفعیل است و باید به صورت «تَحَدَّثْ» باشد و همچنین «لَهُ» باید به صورت «لَهُ» بیاید.

گزینه ۴: «مُنْظَمَةٌ» باید به صورت «مُنْظَمَةٌ» باشد و همچنین «قَائِمَةٌ» اسم فاعل است و باید به صورت «قَائِمَةٌ» بیاید.

(ضبط حرکات)

۵۸- گزینه ۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

ترجمه عبارت گزینه ۲: «هر دانش‌آموزی از بین دانش‌آموزان نقشش را با مهارت زیادی بازی می‌کند!»؛ چه کسی بازی می‌کند؟ ← هر دانش‌آموزی (کلّ طالب) ← کلّ: فاعل و نکره / طالب: مضاف الیه و نکره

در گزینه ۱، «حافظ» فاعل و معرفه به علم است، در گزینه ۳، «التّلامیذ» فاعل و معرف به ال است و در گزینه ۴، «الشّجرة» فاعل و معرف به ال است.

(قواعد اسم)

۵۹- گزینه ۲»

(فاطمه منصورفاکی)

«لَنْ + فعل مضارع» به صورت مستقبل منفی و با فعل «تخواهد» ترجمه می‌شود (لَنْ تَجِدَ: نخواهی یافت).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «تَنْصُرُوا» فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود (إِنْ تَنْصُرُوا: اگر یاری کنید).

گزینه ۳: «كَيْ يُسَاعِدُونِي»: تا مرا یاری کنند (مضارع التزامی)

گزینه ۴: «حَتَّى أَفْهَمَ»: تا بفهمم (مضارع التزامی)

(قواعد فعل)

۶۰- گزینه ۳»

(سیرممدعلی مرتضوی)

صورت سؤال، گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، «یضحک» نکره را توضیح بدهد؛ در گزینه ۲، «یضحک» جمله وصفیه برای اسم نکره «زمیل» است و آن را توصیف می‌کند. ترجمه عبارت: «در مدرسه هم‌کلاسی‌ای داشتم که هنگام تدریس معلمانمان می‌خندید!»

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «یضحک» خبر است، نه جمله وصفیه.

گزینه ۲: «یضحک» جواب شرط است، نه جمله وصفیه.

گزینه ۴: «یضحک» بعد از اسم نکره‌ای نیامده است که آن را وصف کند. ترجمه عبارت: «از بین دانش‌آموزان، پسری هست که ناراحت می‌شود هنگامی که هم‌کلاسی دیگری می‌خندد!»

(قواعد اسم)

عربی زبان قرآن (۱)

۶۱- گزینه ۲»

(عمیرضا قانرازمینی - اصفهان)

«عَلینا بِ...»: بر ما لازم است، بر ما واجب است، ما باید (رد گزینه ۳) / «المعالم الأثرية»: آثار تاریخی / «الستیاح الأجانب»: ترکیب وصفی) گردشگران بیگانه، جهانگردان بیگانه (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

نکات مهم درسی:

۱) در ترجمه ترکیب وصفی، معمولاً میان موصوف و صفت، کسره می‌آید.

۲) هرگاه «علی» در ابتدای جمله بر سر یک اسم یا ضمیر متصل بیاید، به معنای «باید، واجب است، پایبند باش» ترجمه می‌شود.

(ترجمه)

۶۲- گزینه ۳»

(فاطمه منصورفاکی)

«جدتی»: مادر بزرگم / «كانت... تعرف»: (فعل ماضی استمراری) می‌شناخت (رد سایر گزینه‌ها) / «الأعشاب الطبیّة»: گیاهان دارویی / «تستعملها»: آن‌ها را به کار می‌برد (رد گزینه ۱) / «اللوایة»: برای پیشگیری (رد گزینه ۱) / «أمراض ساكنی القرية»: بیماری‌های ساکنان روستا (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۶۳- گزینه ۴»

(فاطمه منصورفاکی)

«ساعد الممرضان»: دو پرستار (پرستاران) کمک کردند (رد گزینه ۱) / «التلمیذ الذی»: دانش‌آموزی که / «كان قد تصادم»: (كان + ماضی ← فعل ماضی بعید) تصادف کرده بود (رد گزینه ۲) / «بالسّيارة»: با خودرو / «تقلّاه»: او را انتقال دادند (منتقل کردند) (رد سایر گزینه‌ها) / «إلى المُستشفى»: به بیمارستان

(ترجمه)

۶۴- گزینه ۲»

(امیرحسین پورفهر)

ترجمه صحیح عبارت گزینه ۲: «و این کمبود با حرکت کردن سرش جبران می‌شود!»

نکات مهم درسی:

به تفاوت معنایی این جفت مصدرها توجه کنید:

تحریک (حرکت دادن) و تحرّک (حرکت کردن) / تعلیم (یاد دادن) و تعلّم (یاد گرفتن) و ...

(ترجمه)

۶۵- گزینه ۱»

(پرویز ویان - کرگان)

«گردشگران را تشویق می‌کنیم»: نُشجّع السّائحين (رد گزینه‌های ۲ و ۴؛ مفعول باید اعراب منصوب (ین) بگیرد) / «برای دیدن»: لرؤیة، لمشاهدة / «آثار تاریخی کشورمان»: معالم بلدنا التاریخیة (رد گزینه‌های ۳ و ۴ - ترکیب اضافی - وصفی است، پس اول مضاف‌الیه و بعد صفت ذکر می‌شود).

(ترجمه)



فلسفه یازدهم

۷۱- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانهای)

سقراط پیوسته حول مسائل روزمره زندگی می‌اندیشید و هم با تهیدستان و هم با توانگران همنشین بود.

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۶ و ۳۸)

۷۲- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمانهای)

ملتوس به نمایندگی از متهم‌کنندگان در دادگاه گفت: «جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آن‌ها را از دین و آیین پدرانشان برمی‌گرداند.» آن‌گاه ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد.

نتیجه: دقت کنید که اتهامات سقراط از زبان ملتوس را با اتهامات از زبان خودش تفکیک کنید.

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه ۳۹)

۷۳- گزینه «۲»

(فرهار قاسمی نژاد)

راز سروش معبد دلفی (محتوای درونی) این بود که داناترین آدمیان کسی است که بداند که هیچ نمی‌داند.

ولی خود پیام و الهام (ظاهر کلام) سروش معبد دلفی این بود که داناترین مردم سقراط است.

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه ۴۰)

۷۴- گزینه «۴»

(هسین آفوندری راهنمایی)

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می‌توانیم دفتر اندیشه‌های فلسفی‌اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان بیشتر پی ببریم.

سایر گزینه‌ها صحیح و مطابق با متن کتاب درسی است.

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۰)

۷۵- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

سقراط روش بحث ثابتی داشت. او یک مفهوم را که در زندگی انسان‌ها نقش مهمی داشت - فارغ از این که راجع به چه بحثی باشد - برمی‌گزید و درباره آن سؤال می‌کرد؛ مثلاً می‌پرسید که «شجاعت چیست؟» یا «هدف فیلسوف از زندگی چه باید باشد؟» یا «آیا نفس فانی است یا جاودان؟» و بر اساس پاسخ مخاطب سؤال بعدی را طرح می‌کرد تا اینکه سرانجام پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و او آن را با زبان خود بیان می‌کرد و به همین جهت سقراط خود را ماما می‌دانست و روش خود را روش مامایی می‌نامید که صرفاً کمک می‌کند تا خود مخاطب به حقیقت برسد. به این روش او، دیالکتیک یا «روش سقراطی» نیز می‌گویند. در نتیجه از منظر او خود فرد باید به حقیقت برسد نه اینکه به صورت مستقیم به او گفته شود.

۶۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانهای)

گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، همگی به این مطلب اشاره دارند که دشمنی فرد دانا بهتر از دوستی فرد نادان است، ولی گزینه «۴» به ایجاد دوستی و از بین بردن دشمنی توصیه می‌کند.

(مفهوم)

۶۷- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمانهای)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «المَدَح (ستایش) ≠ الدَّم (نکوهش)

گزینه «۲»: «قلیل (اندک) ≠ کثیر (بسیار)

گزینه «۳»: «حَسَن (نیکیوی) ≠ قَبیح (زشتی)

(واژگان)

۶۸- گزینه «۳»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه «۳»، هیچ فعلی وجود ندارد، پس جمله فعلیه وجود ندارد.

در سایر گزینه‌ها، «تنقل»، «پترجمون» و «تعاون» جمله فعلیه هستند.

(انواع جملات)

۶۹- گزینه «۲»

(امسان کلاته عربی)

در این گزینه، کلمه «ولتک»، اسم اشاره و در نقش مفعول است و کلمه «النساء» وابسته به آن می‌باشد و در نقش مفعول نیست.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این گزینه، «دروس» مفعول و «هذا» مضاف‌الیه آن است.

گزینه «۳»: در این گزینه، کلمه «الأرض» مفعول است که معرب می‌باشد.

گزینه «۴»: این‌جا هم مشابه گزینه «۱»، «قوانین» مفعول و «هذا» مضاف‌الیه آن است.

(معرب و مبنی)

۷۰- گزینه «۴»

(معمود باربرین)

صورت سؤال، گزینه‌ای را خواسته است که در آن برای مبتدا، صفت نیامده باشد؛ یعنی مبتدا موصوف نباشد. در گزینه «۴»، «صوت» مبتدا است و «تلاوة» مضاف‌الیه آن می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «عمل» مبتدا و «الصالح» صفت آن است.

گزینه «۲»: «غابات» مبتدا و «الخضراء» صفت آن است.

گزینه «۳»: «طَلَب» مبتدا و «المُجدون» صفت آن است.

(قواعد اسم)



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: کسی که نداند ولی بداند که نداند، دچار جهل ساده شده است و در نتیجه از کسی که نداند و نداند که نداند، یعنی کسی که جهل مرکب دارد، داناتر است.

گزینه «۲»: سقراط در استدلالی که ناظر به باورمندی خود به خدا اقامه کرد، چنین بیان داشت که کسی که آثار و لوازم وجود خدا، یعنی علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته‌باشد لاجرم باید وجود خدا را نیز بپذیرد و از آنجایی که سقراط به مفاهیم فوق باورمند است، پس به وجود خدا نیز باید باور داشته‌باشد. از استدلال فوق می‌توان چنین برداشت کرد که سقراط به قاعده گفته‌شده در این گزینه نیز باور دارد.

گزینه «۴»: سقراط، خطاب به مردم آتن می‌گفت: از گشت و گذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید.

(فلسفه یازدهم، زندگی بر اساس اندیشه، صفحه‌های ۳۶ تا ۴۲)

۷۶- گزینه «۱»

(فیروز نژادنهف - تبریز)

توجه ویژه کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان، به شناخت سبب شد که شاخه «معرفت‌شناسی» فلسفه رشد بیشتری کند و فیلسوفان بیشتری در دوره جدید بدان بپردازند. در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد، اما امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن «معرفت‌شناسی» یا «نظریه معرفت» می‌گویند.

نتیجه: دقت کنید که توجه ویژه کانت به معرفت و شناخت عامل رشد معرفت‌شناسی و طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت عامل به وجود آمدن معرفت‌شناسی به عنوان شاخه جدیدی از فلسفه در عصر حاضر شد.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۴۶)

۷۷- گزینه «۲»

(احمد منصوری)

این‌که معنا و مفهوم معرفت و شناخت روشن است و نیازی به تعریف ندارد مربوط به چیستی معرفت یا همان ماهیت شناخت است که اگر ابهامی از جهت لغت نیز وجود داشته‌باشد با بیان معادلی رفع می‌شود.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه‌های ۴۶ و ۴۷)

۷۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

این باور که انسان نمی‌تواند به همه خصوصیات موجود دست یابد، محدودیت شناخت را در پی دارد و اینکه گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند و ما می‌کوشیم که بدانیم از میان آن نظرها تفاوت کدام درست و کدام غلط است به خطاپذیری شناخت مربوط است.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۴۵)

۷۹- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌ای)

امکان معرفت هر چند امری بدیهی است و کسی آن را به‌طور طبیعی انکار نمی‌کند اما گاه به دلیل مغالطه‌های رخ داده برخی از افراد همچون سوفیست‌ها آن را انکار کرده‌اند. امکان معرفت برای اصل شناخت مطرح می‌شود و نه یک نوع شناخت خاص.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۴۷)

۸۰- گزینه «۴»

(سبا بعفرزاده صابری)

از آنجا که بشر به‌طور طبیعی (نه عقلی و استدلالی) به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگر باور دارد (رد گزینه ۲) و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند، از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک خود و جهان پیرامون خویش تلاش کرده است. نتیجه این تلاش مستمر، دستیابی انسان به دانش‌های مختلف در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علم است. همین پیشرفت، خود دلیلی (پیشرفت دلیل و علت است نه معلول) بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است. (رد گزینه ۱)

پیشرفت دانش از دو طریق است که یکی از آن‌ها از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آن‌ها است به‌طور مثال منجمان قدیم، عموماً فکر می‌کردند که خورشید به دور زمین می‌گردد و زمین مرکز جهان است. اما منجمان جدید پی بردند که این نظر اشتباه بوده و زمین به دور خورشید در حرکت است پس فهم این حرکت از طریق دستیابی به دانش‌های جدید نیست بلکه از طریق اصلاح دانش گذشته می‌باشد. (رد گزینه ۳)

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۴۸)



اقتصاد

۸۱- گزینه ۱

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

- غلط است؛ هنگامی که کشور گرفتار رکود می‌شود، اشتغال کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.
- غلط است؛ در شرایط رکود به دلیل وجود منابع بیکار، کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار می‌گیرد.
- درست است.
- غلط است؛ وقتی یک اقتصاد منابع غیرفعال دارد، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

۸۲- گزینه ۳

(سارا شریفی)

الف) برای محاسبه نرخ بیکاری ابتدا باید جمعیت فعال و جمعیت بیکار کشور را به دست آورد؛ در نتیجه خواهیم داشت:

جمعیت افراد زیر ۱۵ سال - جمعیت کل = جمعیت افراد بالای ۱۵ سال

$$\text{نفر } ۹۵۰,۰۰۰ - ۵۵۰,۰۰۰ = ۱,۵۰۰,۰۰۰$$

جمعیت غیرفعال - جمعیت افراد بالای ۱۵ سال = جمعیت فعال

$$\text{نفر } ۴۵۰,۰۰۰ - ۹۵۰,۰۰۰ = ۵۰۰,۰۰۰$$

جمعیت شاغل - جمعیت فعال = جمعیت بیکار

$$\text{نفر } ۱۵۰,۰۰۰ - ۵۰۰,۰۰۰ = ۳۵۰,۰۰۰$$

حال برای محاسبه نرخ بیکاری طبق فرمول داریم:

$$\text{درصد } ۷۰ = \frac{۳۵۰,۰۰۰}{۵۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری}$$

(ب)

با استخدام (مشغول به کار شدن) ۵۰,۰۰۰ نفر، تعداد بیکاران کاهش خواهد یافت، در نتیجه خواهیم داشت:

$$\text{نفر } ۳۰۰,۰۰۰ = ۳۵۰,۰۰۰ - ۵۰,۰۰۰ = \text{جمعیت بیکار جدید}$$

$$\text{نرخ بیکاری جدید} = \frac{\text{جمعیت بیکار جدید}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد } ۶۰ = \frac{۳۰۰,۰۰۰}{۵۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰$$

نکته: در این حالت جمعیت فعال بدون تغییر باقی می‌ماند. چراکه جمعیت فعال از مجموع تعداد شاغلان و بیکاران به دست می‌آید، با توجه به صورت سؤال جمعیتی از بیکاران کاسته و به شاغلان افزوده می‌شود اما مجموع آن‌ها بدون تغییر باقی می‌ماند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۸۳- گزینه ۲

(نسرین بعفری)

الف) در سطح دستمزد ۱۰ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد. یعنی دستمزد درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما برابر است. در این سطح از دستمزد، تعداد عرضه و تقاضای نیروی کار نیز با هم برابر می‌شود. این تعداد یعنی ۱,۵۰۰,۰۰۰ نفر را مقدار تعادلی می‌نامند.

ب) در سطوح دستمزد بالای ۱۰ میلیون تومان، بازار دارای مازاد عرضه است. تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند، در نتیجه چون گروهی از افراد بیکار هستند، حاضرند با سطح دستمزد پایین‌تری کار را انجام دهند؛ در نتیجه دستمزد تا سطح رسیدن به دستمزد تعادلی پایین می‌آید.

پ) در سطح دستمزد ۲۰ میلیون تومان، میزان عرضه نیروی کار برابر با ۳,۵۰۰,۰۰۰ نفر است، که طبق فرض صورت سؤال این مقدار برابر با جمعیت فعال جامعه است. در این سطح از قیمت به دلیل بالا بودن سطح دستمزد، کارفرمایان تنها حاضر به استخدام ۵۰۰,۰۰۰ نفر هستند و مابقی جمعیت بیکار هستند، در نتیجه خواهیم داشت:

جمعیت استخدام شده - عرضه نیروی کار (جمعیت فعال) = جمعیت بیکار

$$\text{نفر } ۳,۰۰۰,۰۰۰ - ۵۰۰,۰۰۰ = ۳,۵۰۰,۰۰۰$$

$$\text{درصد } ۸۵ = \frac{۳,۰۰۰,۰۰۰}{۳,۵۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری}$$

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

۸۴- گزینه ۱

(نسرین بعفری)

الف) درست است؛ همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، خود را شاغل به حساب نمی‌آورند، درحالیکه نهادهای مسئول آمارگیری، همه کسانی را که در غیر از زمینه تخصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند و این امر باعث می‌شود تا مردم بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس کنند.

ب) درست است؛ برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری و... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورد نکنند.

پ) نادرست است؛ کسانی که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند و در جست‌وجوی شغل تمام‌وقت هستند، خود را شاغل به حساب نمی‌آورند، درحالیکه نهادهای مسئول آمارگیری، همه کسانی را که به صورت پاره‌وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می‌آورند و این امر باعث می‌شود تا مردم بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس کنند.

ت) نادرست است؛ کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، خود را بیکار محسوب می‌کنند، درحالیکه طبق تعریف اقتصاددانان، کسانی که از جست‌وجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار محسوب نمی‌شوند، و این امر باعث می‌شود تا مردم بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس کنند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۶)



۸۵- گزینه «۳»

(آفرین ساپری)

بیکاری فصلی زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست می‌دهند، مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بیکاری اصطلاحی شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند.

گزینه «۲»: بیکاری ساختاری بیکاری‌ای است که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست.

گزینه «۴»: بیکاری دوره‌ای هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۷)

۸۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

- مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر ۱/۹ دلار در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلقند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.
- در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌شود.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۹)

۸۷- گزینه «۴»

(مهری ضیائی)

الف) در هر منطقه، کالایی خاص پرطرفدار بود. مثلاً در ایران، غلات؛ در هندوستان، صدف؛ در تبت، چای و در روسیه، پوست سمور خواهان بیشتری داشت. ساکنان این مناطق حاضر بودند کالاهای اضافی خود را با این کالاها معاوضه کنند؛ زیرا اطمینان داشتند که با دادن این کالاها می‌توانند کالاهای موردنیاز خود را دریافت کنند. به این ترتیب، این نوع کالاها به عنوان اولین

وسیله مبادله، مورد استفاده قرار گرفت. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

ب) انتخاب فلزات (مانند طلا و نقره) به عنوان پول، موجب گسترش تجارت در داخل کشورها و بین‌ملتها شد و فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و

حمل و نقل را نیز رونق بخشید. (رد گزینه ۳)

ج) پول‌های کاغذی، تحریری یا الکترونیکی، خصوصیتی اعتباری دارند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۷)

۸۸- گزینه «۴»

(زهرا مومری)

طبق متن کتاب، درصد تغییر شاخص قیمت مصرف کننده یا CPI همان نرخ تورم است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{درصد تغییر cpi برای یک ماه (یا یک سال) معین} = \frac{\text{هزینه سبدبازار در ماه (سال) قبل} - \text{هزینه سبدبازار در ماه (سال) معین}}{\text{هزینه سبدبازار در ماه (سال) قبل}} \times 100$$

$$\text{درصد} = \frac{87/12 - 72/6}{72/6} \times 100 = 20$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

۸۹- گزینه «۳»

(زهرا مومری)

الف) زمانی که اقتصاد کشور گرفتار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی یا همان کاهش حجم پول در گردش را به کار می‌گیرد.

بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به‌طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد.

ب) در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، بانک مرکزی سیاست افزایش نقدینگی در گردش را به کار می‌گیرد. بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به‌طور مستقیم نقدینگی بیشتری را به جامعه تزریق کند.

ج) افزایش ظرفیت‌های تولیدی - افزایش واردات

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)

۹۰- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

(موجودی اسکناس) $= \frac{2}{3} \times$ ارزش مسکوکات
واحد پولی $= \frac{2}{3} \times 1800 = 1200$ = ارزش مسکوکات مردم
حساب‌های جاری اشخاص همان سپرده‌های دیداری است.

چک پول + سپرده‌های دیداری + اسکناس و مسکوکات = حجم پول

واحد پولی $= 1200 + 280 + 340 = 1820$ = حجم پول

واحد پولی $= 1000$ = شبه پول

حساب‌های پس‌انداز بلندمدت + حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت = شبه پول

$450 +$ حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت $= 1000$

واحد پولی $= 1000 - 450 = 550$ = حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت \Rightarrow

شبه پول + حجم پول = نقدینگی

واحد پولی $= 3620 + 1000 = 4620$ = نقدینگی

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۹۸)



ریاضی و آمار (۳)

۹۱- گزینه «۲»

(علیرضا عبیدی)

ارقام فرد ۹, ۷, ۵, ۳, ۱ هستند. چون می‌خواهیم عدد مورد نظر از ۳۰۰۰ بزرگتر باشد، پس در یکان هزار عدد می‌توانیم ۹, ۷, ۵, ۳ را استفاده کنیم که ۴ حالت می‌شود برای رقم صدگان از بین ۵ رقم فرد چون یک رقم در یکان هزار استفاده شده پس ۴ رقم باقی می‌ماند و به همین ترتیب با توجه به تکراری نبودن ارقام، برای بقیه ارزش‌های مکانی داریم:

$$4 \times 4 \times 3 \times 2 = 96$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۲)

۹۲- گزینه «۴»

(فرشید کریمی)

منظور از عبارت (حروف مجاور متمایز باشند) این است که جایگاه‌های کنار هم با هم فرق داشته باشند.

چون کلمه ۳ حرفی می‌خواهیم، ابتدا ۳ جایگاه می‌کشیم و با توجه به صورت سؤال از اولین جایگاه سمت چپ شروع به پر کردن جایگاه‌ها می‌کنیم. برای جایگاه اول سمت چپ هر هفت حرف از حروف کلمه FARSHID را می‌توانیم قرار دهیم، اما در جایگاه دوم و سوم حق استفاده از همه حروف به جز حرف استفاده شده در جایگاه قبل از خودش را داریم.

$$7 \times 6 \times 6 = 252$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۲)

۹۳- گزینه «۳»

(سعید عزیزقانی)

در سفر از ایران به کشور اول ۵ انتخاب وجود دارد و با توجه به اینکه نمی‌خواهیم وسیله نقلیه تکرار استفاده کند در سفر از کشور A به کشور B ۴ انتخاب داریم (وسیله نقلیه استفاده شده در سفر از ایران به A را نمی‌توان استفاده کرد) در واقع در هر سفر وسیله نقلیه استفاده شده در سفر قبلی را نمی‌توان انتخاب کرد بنابراین:

تعداد کل حالت‌ها براساس اصل ضرب برابر است با:

$$5 \times 4 \times 4 \times 4 \times 4 \times 4 = 5120$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۲)

۹۴- گزینه «۱»

(ابوالفضل بواری)

در اعداد طبیعی کوچکتر از ۳۰، ۱۵ عدد فرد و ۱۴ عدد زوج موجود است و برای آنکه مجموع ۳ عدد انتخاب شده فرد باشد دو حالت ممکن است: الف) هر ۳ عدد فرد باشند:

$$\binom{15}{3} = \frac{15!}{12! \times 3!} = \frac{15 \times 14 \times 13 \times 12!}{12! \times 3 \times 2} = 5 \times 7 \times 13 = 455$$

ب) ۲ عدد زوج و ۱ عدد فرد باشد:

$$\binom{14}{2} \times \binom{15}{1} = \frac{14 \times 13}{2} \times 15 = 7 \times 13 \times 15 = 1365$$

حال دو حالت را با هم جمع می‌کنیم:

$$455 + 1365 = 1820$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

۹۵- گزینه «۲»

(سامان اسپهر)

تعداد اعضای فضای نمونه را در هر حالت بدست می‌آوریم:

الف) $\binom{6}{2} = \frac{6 \times 5}{2} = 15$

ب) $\binom{6}{1} \binom{6}{1} = 6 \times 6 = 36$

ج) $\binom{6}{1} \times \binom{5}{1} = 6 \times 5 = 30$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

۹۶- گزینه «۲»

(ابوالفضل بواری)

فضای نمونه: انتخاب ۲ کارت از ۱۰ کارت:

$$n(S) = \binom{10}{2} = \frac{10 \times 9}{2} = 45$$

اعضای پیشامد A (یکی از اعداد انتخابی مضرب دیگری باشد) را می‌نویسیم:

$$A = \{(1,2), (1,3), (1,4), (1,5), (1,6), (1,7), (1,8), (1,9), (1,10), (2,4), (2,6), (2,8), (2,10), (3,6), (3,9), (4,8), (5,10)\}$$

چون ۲ کارت هم زمان از جعبه خارج می‌شوند، در اعضای پیشامد A جابه‌جایی وجود ندارد.

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{17}{45}$$

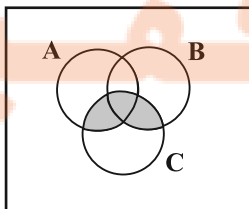
(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ تا ۲۱)

۹۷- گزینه «۴»

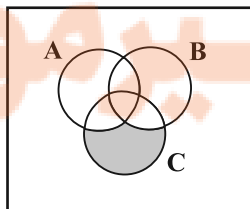
(کلناز بینقی)

هر قسمت از گزینه را باید جداگانه بررسی کنید و از چپ به راست بر روی شکل هاشور بزنید.

درستی گزینه «۴» به صورت زیر است:



$$(C \cap B) \cup (C \cap A)$$



$$C - ((C \cap B) \cup (C \cap A))$$



علوم و فنون ادبی (۳)

۱۰۱- گزینه «۴» (معمداً در ادراش خام)

میرزا حسن خان بدیع نویسنده کتاب «شمس الدین و قمر» می باشد. «شمس و طغرا» اثر محمدباقر میرزا خسروی است. سایر موارد گزینه ها صحیح می باشند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه های ۱۳، ۱۴ و ۱۶ تا ۲۱)

۱۰۲- گزینه «۳» (عزیز الیاس پور)

سردبیری روزنامه «مجلس» بر عهده ادیب الممالک فراهانی بود. سید اشرف الدین گیلانی به «نسیم شمال» معروف بود و نام روزنامه اش هم «نسیم شمال» بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۶)

۱۰۳- گزینه «۳» (شیوا نظری)

تقطیع بیت:

دل ک ز دس	تم ب رف ت	با ت د ز ف	تاد
ز و د ب ی ف	ت د ز پا چ	رف ت ز دس	تست
- UU -	U - U -	- UU -	-
مفتعلن	فاعلات	مفتعلن	فع

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۳)

۱۰۴- گزینه «۲» (معمداً در ادراش خام)

وزن بیت گزینه «۲»، «مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن» است که در زمره اوزان ناهمسان به شمار می رود.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: وزن بیت، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» می باشد که وزنی همسان است.

گزینه «۳»: وزن بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است و وزنی همسان می باشد.

گزینه «۴»: وزن بیت، «مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن» است که وزنی دولختی محسوب شده و در زمره اوزان همسان محسوب می شود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۰۵- گزینه «۴» (یاسین مهریان)

بیت «الف»: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» (وزن بیت، ناهمسان است و دو دسته بندی هجایی دارد).

بیت «ب»: «مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن» (وزن بیت، ناهمسان است؛ اما دو دسته بندی هجایی ندارد).

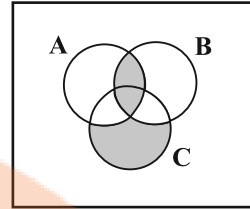
بیت «ج»: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» یا «مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن» (وزن بیت، همسان دولختی است و دو دسته بندی هجایی دارد).

بیت «د»: «مفعول مفاعلاتن فاعلاتن» یا «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» (وزن بیت، ناهمسان است و دو دسته بندی هجایی نیز دارد).

نکته مهم درسی:

اوزانی که رکن اول آن ها «مفعول» باشد، قابلیت دسته بندی هجایی دوگانه را دارند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه های ۲۵ و ۲۶)



$$(A \cap B) \cup (C - ((C \cap B) \cup (C \cap A)))$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۱۲ تا ۱۶)

۹۸- گزینه «۲»

(سعید عزیزقانی)

اعضای پیشامدهای A و B را می نویسیم:

$$A = \{(2,2), (2,4), (2,6), (4,2), (4,4), (4,6), (6,2), (6,4), (6,6)\}$$

$$B = \{(1,1), (1,2), (2,1)\}$$

پیشامدها B سه عضو دارد و پیشامد $A \cup B$ ، ۱۲ عضو خواهد داشت.

پیشامدهای A و B اشتراک ندارند یعنی $A \cap B = \emptyset$ بنابراین ناسازگارند

و پیشامد $B - A$ نیز سه عضو خواهد داشت.

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۱۲ تا ۱۶)

۹۹- گزینه «۱»

(معمداً بعیرایی)

احتمال وقوع پیشامد A را با $P(A)$ و احتمال رخ ندادن پیشامد A را با $P(A')$ نشان می دهیم و داریم:

$$P(A) + P(A') = 1$$

$$P(A) = P(A') + \frac{1}{4}$$

$$\Rightarrow P(A') + \frac{1}{4} + P(A') = 1 \Rightarrow 2P(A') = \frac{3}{4}$$

$$\Rightarrow P(A') = \frac{3}{8} \Rightarrow P(A) = \frac{5}{8}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۲۱ تا ۲۳)

۱۰۰- گزینه «۱»

(امد رضا ذاکر زاده)

طبق اصل متمم ابتدا احتمال آنکه هر سه رقم متفاوت باشند را حساب می کنیم، سپس از ۱ کم می کنیم.

$$n(S) = 9 \times 9 \times 9 = 9^3$$

همه ارقام متفاوت باشند $A' \Rightarrow$ حداقل دو رقم آن یکسان $A =$

$$P(A') = \frac{9 \times 8 \times 7}{9^3} = \frac{56}{81} \Rightarrow P(A) = 1 - P(A') = 1 - \frac{56}{81} = \frac{25}{81}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه های ۲۱ تا ۲۳)



عربی، زبان قرآن (۳)

۱۰۶- گزینه ۳»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

وزن صحیح مصراع این گزینه، «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلمن» است.

وزن سایر گزینه‌ها به شکل صحیح آمده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۷- گزینه ۳»

(میتبی فرهادی)

وزن مصراع صورت سؤال و بیت گزینه ۳، «مفعول مفاعن مفاعیلن» یا «مستفعل فاعلات مستفعل» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن (مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل)

گزینه ۲: «مفعول مفاعن فعولن (مستفعل فاعلات مستفعل)

گزینه ۴: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۶)

۱۰۸- گزینه ۴»

(یاسین مهریان)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «فاعلاتن فعلاتن فعولن

گزینه ۲: «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

گزینه ۳: «مفاعن فعلاتن مفاعن فعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۰۹- گزینه ۲»

(میتبی فرهادی)

وزن این مصراع، «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعلن مفاعلن مستفعلن فعل» است که در تقسیم‌بندی اوزان ناهمسان قرار می‌گیرد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (همسان دوری)

گزینه ۳: «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (همسان)

گزینه ۴: «فعولن فعولن فعولن فعل (همسان)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۱۱۰- گزینه ۳»

(شیوا نظری)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۳، «وصفناپذیری خداوند است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «امید به رحمت خداوند

گزینه ۲: «تأکید بر شکر عملی

گزینه ۴: «تمامی موجودات در حال ستایش خداوند هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۰)

۱۱۱- گزینه ۳»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«إِنَّ: همانا، قطعاً (رد گزینه ۱) / «ذو فضل»: دارای بخشش، صاحب فضل

(رد گزینه ۲) / «علی الناس»: بر مردم (رد گزینه ۲) / «و لكن»: ولی، اما (رد

گزینه ۱) / «أكثر الناس»: بیشتر مردم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «لا یشکرون»:

شکرگزاری نمی‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه ۱»

(مرتضی کاظم شیروزی)

«إِنَّ: همانا، قطعاً، بی‌شک (رد گزینه ۳) / «التفاخر»: فخر فروشی،

افتخار کردن / «بالتسب»: به دودمان، به اصل و نسب / «لیس»: نیست /

«محموداً»: پسندیده (رد گزینه ۲) / «إنما»: تنها، فقط

تکته: ترجمه «إنما»، پس از اسم می‌آید (رد گزینه‌های ۳ و ۴) ضمناً در

گزینه ۲، ترجمه «زیرا» اشتباه است. / «یخلقون»: آفریده می‌شوند (رد

گزینه ۲) / «تراب»: خاکی. اسم نکره است. (توجه داشته باشید که معادل

«تکه گل» در عربی واژه «طینه» می‌باشد) (رد گزینه ۴) / «قد اختلط»:

آمیخته شده است / «بالماء»: به آب

تکته: دقت داشته باشید که حرف مشبّهة بالفعل «ان» برای تأکید جمله

است و ترجمه آن باید در ابتدای جمله باشد.

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه ۲»

(پیروز وپان - کرگن)

«لیت طلبوا و علموا»: کاش طلب می‌کردند و می‌دانستند (طلب کرده

بودند و دانسته بودند - رد گزینه ۱) / «الجهلاء»: نادانان / «ان»: که (رد گزینه

۳) / «هل العلم أحياء»: اهل علم زندگانند (رد گزینه ۴) / «لا یموتون»:

نمی‌میرند (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه ۳»

(اهسان کلاته عربی)

ترجمه درست عبارت: گویی (انگار) تو در فروش آن ماشین مردّد هستی.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «کلمة «إنما» به صورت «فقط، تنها» ترجمه می‌گردد و جزء

حروف مشبّهة بالفعل نیست.

گزینه ۲: «حرف «ان» از حروف مشبّهة بالفعل و به معنای «که» است.

گزینه ۴: در این گزینه هم لای نفی جنس (لا معین) داریم که به درستی

ترجمه شده است. در اینجا، چون حرف جر «ل» به معنای مالکیت آمده

است، می‌توانیم عبارت را به صورت «هیچ یاریگری ندارد» ترجمه کنیم.

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه ۳»

(همیدرضا قانراهمی - اصفهان)

«جهان بزرگتر»: العالم الأكبر (رد سایر گزینه‌ها) / «به هم پیچیده شده

است»: قد انطوی (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «دانشمندان بسیاری»: (موصوف و

صفت نکره) علماء کثیرین (رد سایر گزینه‌ها)

نکات مهم درسی:

به تفاوت معنایی کلمات مشابه بسیار دقت کنیم:

«عالم: جهان»، «عالم: دانشمند، دانا».

(ترجمه)



فلسفه دوازدهم

۱۱۶- گزینه «۳»

(روح‌الله گلشن)

عبارت عربی: (ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می‌دهد) با عبارت فارسی مقابله (قدر و ارزش هر چیز ارزشمندی را کارشناس و خبره آن کار می‌داند!) تناسب مفهومی ندارد.

(مفهوم)

۱۱۷- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

ترجمه عبارت: «جسم رسانا (الموصل)، جسمی است که از طریق آن، برق یا گرما یا صدا انتقال می‌یابد!»

(واژگان)

۱۱۸- گزینه «۳»

(فاطمه منصورفانی)

در جای خالی گزینه «۳»، به کار بردن کلمه «کأن»: گویی، مانند» درست نیست، بلکه باید از «لیت: ای کاش» استفاده کنیم که برای بیان آرزوی دور از دسترس به کار می‌رود. ترجمه عبارت: «ای کاش روزهای کودکی برگردد تا بتوانم با دوستانم بازی کنم!»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ترجمه آیه: «بی‌شک این قرآن، به (راهی) که استوارتر است، هدایت می‌کند.»

گزینه «۲»: ترجمه آیه: «و با او به نرمی سخن بگوئید شاید که متذکر شود یا بترسد.»

گزینه «۴»: ترجمه عبارت: «دوست دارم که مقاله‌ای برای یک روزنامه دیواری بنویسم، اما من وقت ندارم!»

(انواع هملاط)

۱۱۹- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

«تصور» مصدر و یک اسم نکره است، پس «لا» بر سر آن، از نوع نفی جنس محسوب می‌شود.

در گزینه‌های ۱ و ۳ حرف «لا» قبل از فعل آمده و در گزینه «۴» اسمی که بعد از حرف «لا» دیده می‌شود، «ال» دارد.

توجه کنید که لای نفی جنس قبل از اسمی می‌آید که مفتوح است و «ال» ندارد.

(انواع هملاط)

۱۲۰- گزینه «۲»

(پیروز وهان - گرگان)

حرف مشبّهة بالفعل «لیت»، دلالت بر امر غیرممکن و آرزوی محال دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «إِنَّ: تأکید کلام / لعل: امیدواری (امور ممکن)

گزینه «۳»: «كأن: بیان حدس و گمان

گزینه «۴»: «أَنَّ: ایجاد ارتباط میان دو جمله

(انواع هملاط)

۱۲۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های)

بیان ویژگی‌های اصلی یک شیء به معنای شناخت ماهیت آن است و از آن جایی که وجود، جزء اوصاف شیء نیست، با علم به ماهیت یک شیء نمی‌توان به وجود آن در خارج پی برد.

علاوه بر این با گفتن ویژگی‌های این دارو صرفاً ماهیت آن را بیان کرده‌ایم و وجود آن تحقق نیافته است.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۳)

۱۲۲- گزینه «۴»

(سبا بعفرزاده صابری)

ابن‌سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد و بیان کرد که وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، به این معنا نیست که آن‌ها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن‌گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل‌دهنده آب هستند. پس در خارج دو مفهوم جداگانه به اسم وجود و ماهیت نداریم بلکه اینها دو مفهوم مغایر از یک چیزند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۴)

۱۲۳- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

میان مفهوم وجود و درخت به عنوان یک چیستی رابطه ذاتی برقرار نیست؛ زیرا وجود داشتن جزء تعریف درخت قرار نمی‌گیرد. اما در سایر گزینه‌ها معمول برای موضوع ضروری است؛ زیرا دو مفهوم جدایی‌ناپذیرند که در آن‌ها حمل معمول بر موضوع دلیل نمی‌خواهد.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه ۵)

۱۲۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

توماس آکوئیناس مغایرت وجود و ماهیت را پایه یکی از برهان‌های خداشناسی قرار داد، نه برهان‌های نفس‌شناسی.

سایر گزینه‌ها مطابق با اقدامات او و صحیح می‌باشند.

(فلسفه دوازدهم، هستی و چیستی، صفحه‌های ۶ و ۷)

۱۲۵- گزینه «۲»

(ممد آقاسالاح)

وقتی می‌گوییم «جاندار میوه است» این یک رابطه امکانی است و مانند رابطه «دارای اضلاع، مربع است» می‌ماند.

نوع حمل در سایر گزینه‌ها ضروری است.

(فلسفه دوازدهم، یوان ممکنات، صفحه ۱۰)

۱۲۶- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

فقط در گزینه «۴» رابطه موضوع (انسان) با محمول (نویسنده) و جویی نیست. انسان ممکن است نویسنده باشد یا نباشد. در واقع این رابطه امکانی است. حمل در سایر گزینه‌ها و جویی و ضروری است.

(فلسفه دوازدهم، یوان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)



ریاضی و آمار (۱)

۱۲۷- گزینه «۳»

(پرگل ریسمی)

مفاهیم «نرزی - روح - واجب الوجود بالغیر - ممکن الوجود بالذات و سوختنی خام» با مفهوم وجود، رابطه امکانی دارند. چون این قبیل مفهومها در ماهیت و ذات خود ممکن الوجود هستند و با وجود رابطه امکانی دارند. اما مفاهیم «عدم و خام سوخته»، ذاتاً مفاهیمی هستند که با وجود در حالت امتناع هستند و به تعبیری، محال است روزی به وجود بیایند.

تکلیف: سوختنی خام یک مفهوم ممکن الوجود بالذات است، زیرا یک ماده سوختنی می تواند در عین حال خام باشد. اما سوخته خام یک مفهوم ممتنع الوجود بالذات است، زیرا جمع دو ضد محال است.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه های ۱۱ و ۱۲)

۱۲۸- گزینه «۲»

(فیروز نژاد نیف - تبریز)

با بودن علت، وجود برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود؛ یعنی در حال حاضر، همه اشیا یی که موجودند واجب الوجود هستند، اما به واسطه علت هایشان، نه به واسطه خودشان. به عبارت دیگر: اینها واجب الوجود بالغیر هستند.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: در توصیف ممکن الوجود بالذات است.

گزینه «۲»: عامل وجودبخشی به ممکن الوجود ممکن است واجب الوجود بالذات باشد.

گزینه «۴»: وجود برای آن ضروری نیست، بلکه ضرورت را از یک وجود دیگر می گیرد. پس از همان ابتدا ضرورت نداشته بلکه ضرورت یافته است.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه های ۱۱ و ۱۲)

۱۲۹- گزینه «۲»

(علیرضا تقی پور)

نسبت میان ممکن الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر، عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا برخی ممکن الوجودهای بالذات، موجود نیستند و واجب نشده اند؛ پس باید شکلی بیابیم که دست کم یک رابطه عموم و خصوص مطلق را نشان دهد. (رد گزینه های ۱ و ۳) از طرف دیگر، میان ممکن الوجود بالذات و واجب الوجود بالذات نیز تباین برقرار است. (رد گزینه «۴»)

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه های ۱۰ تا ۱۲)

۱۳۰- گزینه «۴»

(مهمر آقاصالح)

اگر ممکن الوجودها دارای علت شوند به حالت وجوب بالغیر می رسند اما اگر علتی برای آن ها نباشند به حالت وجوب نمی رسند.

رد سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: آنچه دارای حالت امکانی است ماهیت و ذات شیء است نه وجود آن.

گزینه «۲»: با فراهم شدن علت ممکن الوجود، ذات او همچنان حالت امکانی دارد، اما در لحاظ وجودی به حالت وجوب بالغیر می رسد.

گزینه «۳»: اگر علت باشد، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی می کند.

(فلسفه دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه های ۱۱ و ۱۲)

۱۳۱- گزینه «۲»

(مهمر بهیرایی)

با توجه به شکل، تابع f از نقاط $\begin{bmatrix} 0 \\ 4 \end{bmatrix}$ و $\begin{bmatrix} 2 \\ 0 \end{bmatrix}$ می گذرد، پس:

$$f(x) = ax + b$$

$$\begin{bmatrix} 0 \\ 4 \end{bmatrix} \rightarrow a \times 0 + b = 4 \Rightarrow b = 4$$

$$\begin{bmatrix} 2 \\ 0 \end{bmatrix} \rightarrow 2a + b = 0 \Rightarrow 2a + 4 = 0 \Rightarrow a = -2$$

$$\Rightarrow f(x) = -2x + 4$$

$$\Rightarrow f(4) + f(-1) = (-8 + 4) + (2 + 4) = 2$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه های ۵۶ تا ۶۱)

۱۳۲- گزینه «۲»

(مهمر بهیرایی)

$$C(x) = 20x + 600$$

$$R(x) = 80x$$

$$\Rightarrow P(x) = 80x - (20x + 600) = 60x - 600$$

$$\Rightarrow 60x - 600 > 0 \Rightarrow 60x > 600 \Rightarrow x > 10$$

یعنی حداقل ۱۱ تا از این کالا باید بفروشد تا سوددهی آغاز شود.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه های ۵۶ تا ۶۱)

۱۳۳- گزینه «۴»

(مهمر بهیرایی)

$$f(x) = \frac{1}{2}x^2 + 3x + 4$$

$$x_s = -\frac{b}{2a} = \frac{-3}{2(\frac{1}{2})} = -3$$

$$\Rightarrow f(-3) = \frac{1}{2} \times (-3)^2 + 3(-3) + 4$$

$$\Rightarrow f(-3) = (\frac{9}{2}) + (-9) + 4 = \frac{9 - 18 + 8}{2} = \frac{-1}{2} = -0.5$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه های ۶۳ تا ۷۲)

۱۳۴- گزینه «۱»

(مهمر بهیرایی)

نکته: اگر $A + B = K$ (مقدار ثابت) داده شده باشد برای آنکه مقدار

ماکزیم $A \times B$ را به دست آوریم $A = B = \frac{K}{2}$ قرار می دهیم:

$$3x + 2y = 120 \Rightarrow \begin{cases} 3x = \frac{120}{2} \Rightarrow x = 20 \\ 2y = \frac{120}{2} \Rightarrow y = 30 \end{cases}$$

$$\Rightarrow xy = 20 \times 30 = 600$$

$xy = 20 \times 30 = 600$ ماکزیم مقدار



راه دوم:

۱۳۸- گزینه «۲»

(امیررضا زاکر زاده)

ضابطه تابع خطی به صورت $f(x) = ax + b$ است.

نقطه‌ای به طول ۳ روی محور x ها $\rightarrow (3,0) \Rightarrow f(3) = 0 \Rightarrow 3a + b = 0$

$2f(4) = f(1) + 4 \Rightarrow 2(4a + b) = a + b + 4$

$\Rightarrow 8a + 2b = a + b + 4$

$\Rightarrow 7a + b = 4$

$\begin{cases} -2a - b = 0 \\ 7a + b = 4 \end{cases} \Rightarrow 4a = 4 \Rightarrow a = 1, 7 + b = 4 \Rightarrow b = -3$

$\Rightarrow f(x) = x - 3$

$\Rightarrow f(5) = 5 - 3 = 2$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)

$2y = -3x + 120 \Rightarrow y = -\frac{3}{2}x + 60$

$p = xy = x(-\frac{3}{2}x + 60) \Rightarrow p = -\frac{3}{2}x^2 + 60x$

$x_s = \frac{-60}{-3} = 20 \Rightarrow y = 30 \Rightarrow p = 20 \times 30 = 600$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۳۵- گزینه «۳»

(مهمرب بیرایی)

سود = درآمد - هزینه $\Rightarrow P(x) = 300x - (x^2 + 20x + 600)$

$\Rightarrow P(x) = -x^2 + 280x - 600$

$x_s = \frac{-280}{2(-1)} = 140 \Rightarrow P(140) = -(140)^2 + 280(140) - 600$

$\Rightarrow P(140) = 19000$ تومان

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۳۶- گزینه «۴»

(سعید عزیزقانی)

اگر در نمودار تابع سهمی مختصات رأس سهمی داده شده باشد از معادله

$f(x) = a(x-k)^2 + h$ که در آن مختصات رأس سهمی به صورت $S(k, h)$ است، استفاده می‌کنیم.

با توجه به صورت سؤال $S(2, 1)$ است. از طرفی با توجه به فرم

$f(x) = ax^2 + bx + c$ و مقایسه آن با معادله داده شده در صورت سؤال

داریم:

$\begin{cases} k = 2 \\ h = 1 \Rightarrow f(x) = 3(x-2)^2 + 1 = 3(x^2 - 4x + 4) + 1 \\ a = 3 \end{cases}$
 $= 3x^2 - 12x + 13$

حال داریم:

$\Rightarrow \begin{cases} b = -12 \\ c = 13 \end{cases} \Rightarrow b + c = 1$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۳۷- گزینه «۳»

(مهمرب همیدی)

کافی است در رابطه داده شده $x = \frac{1}{2}$ قرار دهیم در این صورت خواهیم

داشت:

$x = \frac{1}{2} \Rightarrow f(1) = 6 \times \frac{1}{2} + \frac{1}{8}$

$\Rightarrow f(1) = \frac{25}{8}$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)

۱۳۹- گزینه «۳»

(ابوالفضل بوری)

ابتدا طول رأس هر دو سهمی را بدست می‌آوریم:

$\begin{cases} y = \frac{-1}{6}x^2 + x + a - 2 \Rightarrow x \text{ رأس} = \frac{-b}{2a} = \frac{-1}{-1/3} = 3 \\ y = x^2 - 6x + 2a + 1 \Rightarrow x \text{ رأس} = \frac{-b}{2a} = \frac{-6}{2} = -3 \end{cases}$

از آن جا که طول رأس هر دو سهمی یکسان است، $x = 3$ را در معادلات سهمی قرار می‌دهیم تا عرض رأس نیز به دست آید:

$\begin{cases} y \text{ رأس} = \frac{-1}{6}(3)^2 + 3 + a - 2 = \frac{-1}{2} + a \\ y \text{ رأس} = (3)^2 - 6(3) + 2a + 1 = 2a - 8 \end{cases}$

اختلاف مقادیر فوق ۱۰ واحد است، بنابراین دو حالت ممکن است رخ دهد:

$\frac{-1}{2} + a - (2a - 8) = \frac{-1}{2} + a - 2a + 8 = 10 \Rightarrow a = \frac{-5}{2}$

$2a - 8 - (\frac{-1}{2} + a) = 2a - 8 + \frac{1}{2} - a = 10 \Rightarrow a = \frac{35}{2}$

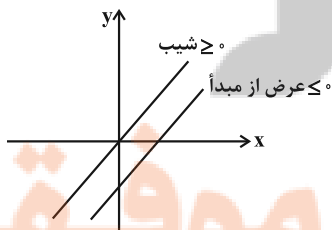
a مجموع مقادیر قابل قبول $\frac{35}{2} - \frac{5}{2} = \frac{30}{2} = 15$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۴۰- گزینه «۴»

(ابوالفضل بوری)

برای آن که از ناحیه دوم نگذرد، باید:



$\begin{cases} \text{شیب} \geq 0 \rightarrow m - 4 \geq 0 \rightarrow m \geq 4 \\ \text{عرض از مبدأ} \leq 0 \rightarrow \frac{m+2}{2} \leq 0 \rightarrow \frac{m}{2} + \frac{2}{2} \leq 0 \rightarrow \frac{m}{2} \leq -1 \\ \rightarrow m \leq -2 \end{cases}$

هیچ مقدار m را نمی‌توان یافت که $m \geq 4$ و $m \leq -2$ باشد.

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)



جامعه‌شناسی (۱)

۱۴۱- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- تصویری که اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست و... دارند، همان آرمان‌های مورد قبول آن‌ها است.
- قلمرو آرمان‌ها همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۵۲)

۱۴۲- گزینه «۳»

(زینب آذری)

تشریح موارد نادرست:

- برنامه‌ریزان فرهنگی هر جامعه همواره تلاش می‌کنند تا از طریق تعلیم و تربیت زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آنها به قلمرو واقعی جهان اجتماعی را فراهم کنند.
- برخی افراد سخنانشان را جزء اعمال خود حساب نمی‌کنند از این رو به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند.

- علوم اجتماعی اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکنند می‌تواند درباره حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان اجتماعی داورى کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۵)

۱۴۳- گزینه «۲»

(امیرموری افشار)

جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حقیقی، آن‌ها را به قلمرو آرمانی خود وارد می‌کنند و اگر هنجارها و اعمال خود را نیز براساس این عقاید و ارزش‌ها سامان دهند، آن‌ها را به قلمرو واقعی وارد نموده‌اند.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه ۵۷)

۱۴۴- گزینه «۴»

(امیرموری افشار)

تشریح موارد نادرست:

- نژادگرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، پول‌پرستی و شرک، از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند. باطل بودن این عقاید و ارزش‌ها با نوع مواجهه جوامع مختلف با آن‌ها دگرگون نمی‌شود.
- جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آن‌ها، دچار تغییر نمی‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۴۵- گزینه «۲»

(کوشه شاه‌سپینی)

دانش‌آموز بودن: اکتسابی، اجتماعی

محل تولد: انتسابی، فردی

قدبلند بودن: انتسابی، فردی

کم‌حرف بودن: اکتسابی، فردی

عضو انجمن بودن: اکتسابی، اجتماعی

استعداد داشتن در کاری: انتسابی، فردی

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۱۴۶- گزینه «۲»

(امیرحسین کاروین)

رابطه جهان نفسانی و اجتماعی یکسویه نیست و کارکردی دوطرفه دارد، ضمن اینکه استفاده از واژه تحمیل برای جهت‌دهی به مسیر حرکت یک جامعه چندان درست نیست.

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه ۶۸)

۱۴۷- گزینه «۱»

(آزیتا پیرقی)

هویت اجتماعی هر فرد ← براساس عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.

بعد نفسانی هويت ← ویژگی‌های روانی و اخلاقی

تبرج و تجمل‌گرایی ← جهان متجدد

فرهنگ اسلام ← هويت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه‌های ۶۷ تا ۶۹)

۱۴۸- گزینه «۳»

(آزیتا پیرقی)

در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.

در جامعه سرمایه‌داری، هويت افراد بیشتر به توان اقتصادی آن‌ها وابسته است.

در فرهنگ اسلام انسان حق ندارد هر نوع تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است در جهان طبیعت و بدن خود انجام دهد.

جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

۱۴۹- گزینه «۳»

(زینب آذری)

هویت یعنی پاسخی که به سؤال (کیستی) داده می‌شود. بخشی از هويت ما آگاهانه است، یعنی آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و برایمان بازگو می‌کنند و اما بخش دیگری از هويت پنهان است. ما برای شناخت هويت پنهان خود (ویژگی‌هایی از خود که اطلاع از آن نداریم) تأمل می‌کنیم و درباره آن فکر می‌کنیم یا از دیگران کمک می‌گیریم. (اشاره به هويت پنهان)

ما گاهی در شناخت هويت خود و دیگران دچار خطا می‌شویم؛ وجود نظریات مختلف پیرامون هويت نشانه این است که امکان خطا در شناخت هويت وجود دارد.

هر جهان اجتماعی بنا به هويت خود با نوع خاصی از افکار و هويت اخلاقی افراد سازگار است و همه نوع هويت اخلاقی و روانی را نمی‌پذیرد. به‌عنوان مثال جهان سکولار غرب چون دارای رویکردی دنیوی است، آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی را می‌پذیرد که دنیوی و این‌جهانی باشد و با هويت معنوی ناسازگار است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه‌های ۷۰ تا ۷۳)

۱۵۰- گزینه «۲»

(زینب آذری)

- جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در بازتولید هويت اجتماعی نقش دارند.

- در جهان اسلام امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی بسیار است.

- اقتناع: روشی که به واسطه آن فرهنگ در افراد درونی می‌شود (افراد فرهنگ را می‌پذیرند و مطابق آن عمل می‌کنند). هر چه قدرت اقتناع فرهنگی بیشتر باشد افراد بیشتر مطابق فرهنگ عمل می‌کنند.

- در روش‌های تبلیغ و اقتناع فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هويت، صفحه‌های ۷۵ تا ۸۰)



منطق

۱۵۱- گزینه «۴»

(علیرضا تقی‌پور)
حاکمیت «تفاوت» در کمیت یا سور دو قضیه حملی، بیانگر رابطه تداخل است و تفاوت در «نسبت» دو قضیه کلیه، مبتن «تضاد» و تفاوت در «سور و نسبت» «دو قضیه حملی» تناقض را ترسیم می‌کند.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۵)

۱۵۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)
دو قضیه‌ای که هم در سور و هم در نسبت متفاوت باشند، بین آن‌ها رابطه «تناقض» برقرار است؛ مانند «هر ماری سمی است و بعضی مارها سمی نیستند». اگر قضیه‌ای درست باشد، نقیض آن غلط است و برعکس اگر قضیه‌ای غلط باشد، نقیض آن درست است.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه ۶۳)

۱۵۳- گزینه «۴»

(مهمر رضایی‌بغا)
در رابطه تداخل اگر قضیه کلی صادق باشد قضیه جزئی نیز صادق خواهد بود پس ابتدا متداخل قضیه را می‌سازیم: «بعضی خودکارهای جامدادی من آبی نیستند» که صادق است.
سپس متناقض قضیه اخیر را می‌سازیم: «همه خودکارهای جامدادی من آبی هستند» که کاذب است.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۵)

۱۵۴- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)
اگر خروجی پس قضیه را بدهند و ورودی یا قضیه اولیه آن را بخواهند به ترتیب از راست به چپ احکام قضایا را اعمال می‌کنیم.
هیچ ج د نیست ← عکس: هیچ د ج نیست
هیچ د ج نیست ← متضاد: هر د ج است
هر د ج است ← نقیض: بعضی د ج است
پس قضیه الف: بعضی د ج است خواهد بود.
حال عکس نقیض قضیه الف هیچ ج د نیست خواهد بود که علامت موضوع و محمول در آن مثبت است.
نقیض متداخل قضیه الف نیز بعضی د ج نیست خواهد بود که در آن علامت موضوع منفی و علامت محمول مثبت خواهد بود.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۷۱)

۱۵۵- گزینه «۳»

(سبا یعقوب‌زاده صابری)
وقتی گفته می‌شود قضیه‌ای عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد یعنی با یک قضیه سالبه جزئی روبه‌رو هستیم اگر قضیه سالبه جزئی صادق باشد قطعاً متناقض آن (موجبه کلی) کاذب خواهد بود.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱»: در رابطه تداخل از صدق قضیه کلی به صدق قضیه جزئی خواهیم رسید نه برعکس.
گزینه «۲»: رابطه تضاد صرفاً بین قضایای کلی برقرار است در حالی که در صورت سؤال یک قضیه جزئی داریم.
گزینه «۴»: در عکس مستوی اگر اصل قضیه صادق باشد عکس آن نیز صادق خواهد بود نه کاذب.
(منطق، اعلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۱۵۶- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)
چون حد وسط به صورت لفظی عیناً تکرار نشده در نتیجه قیاس اقترانی هم نخواهیم داشت.
(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۵۷- گزینه «۳»

بررسی سایر گزینه‌ها:

(پرگل رهیمی)
گزینه «۱»: هر دو مقدمه نباید سالبه باشد، اتفاقاً اگر هر دو مقدمه سالبه بود قیاس نامعتبر است و در این قیاس نیز هر دو مقدمه سالبه نیست.
گزینه «۲»: حد وسط به صورت لفظی و معنایی عیناً تکرار شده است و این شرط را دارد.
گزینه «۴»: علامت موضوع در نتیجه مثبت و در مقدمه اول نیز مثبت است.
(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۴)

۱۵۸- گزینه «۴»

(فیروز نژادنیف - تبریز)
زمانی نیاز به بررسی شرط سوم نداریم که در نتیجه هیچ جزء مثبتی نداشته باشیم پس اگر نتیجه موجبه جزئی باشد چون هم موضوع و هم محمول دارای علامت منفی است نیازی به بررسی شرط سوم نداریم. گزینه «۴» چنین ویژگی‌ای دارد پس نیازی به بررسی شرط سوم ندارد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: قیاس معتبر است اما چون در نتیجه جزء مثبت داریم نیاز به بررسی شرط سوم دارد.
گزینه «۲»: شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد و حد وسط در هر دو مقدمه منفی است.
گزینه «۳»: شرط اول اعتبار قیاس را ندارد و هر دو مقدمه سالبه است.
(منطق، قیاس اقترانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۱۵۹- گزینه «۱»

(مهمر آقا صالح)
هر دو مقدمه قیاس همراه با نتیجه تمامی شروط اعتبار قیاس را دارند.
رد سایر گزینه‌ها:
گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»: ج در نتیجه دارای علامت مثبت است، اما در مقدمات علامت منفی دارد.
گزینه‌های «۳» و «۴»: هر دو مقدمه سالبه هستند و هیچ کدام موجبه نیستند.

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۷)

۱۶۰- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)
حد وسط در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم موضوع است، پس قیاس اقترانی شکل اول ساخته می‌شود. حال باید طبق معلوماتی که از کتاب درسی یاد گرفته‌ایم، نتیجه‌های احتمالی قیاس را بنویسیم و بررسی کنیم ببینیم که آیا نتیجه معتبری وجود دارد یا قیاس نامعتبر است.
هنگامی که یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه سالبه است. پس نتیجه سالبه است و نمی‌تواند موجبه باشد. (رد گزینه ۳). پس برای نتیجه دو حالت ممکن است. حد وسط را حذف می‌کنیم و با آوردن بخش باقی‌مانده از مقدمه اول در جایگاه موضوع نتیجه و آوردن بخش باقی‌مانده از مقدمه دوم در جایگاه محمول نتیجه این دو حالت نتیجه را می‌نویسیم و بررسی می‌کنیم:
«بعضی الف ج نیست»: «ج» علامت مثبت دارد در حالی که در مقدمات علامت منفی دارد. شرط سوم رعایت نشده و نامعتبر است.
«هیچ الف ج نیست»: «الف» و «ج» علامت مثبت دارند در حالی که در مقدمات علامت منفی دارند. شرط سوم رعایت نشده و نامعتبر است.
پس این قیاس در هر حالت نامعتبر است (رد گزینه ۱ و تأیید گزینه ۲)
برای ساخت قیاس استثنایی باید یکی از مقدمات قضیه شرطی باشد. (رد گزینه ۴)

(منطق، قیاس اقترانی، صفحه ۷۳ تا ۷۷)